

# نکاح و فراق

## مقدمه

نکاح عبارتست از علقه ای که زن و مرد اجنبی را بهم محرم و پیوند مینماید .  
فراق عبارتست از آنچه که رابطه نکاح را بین زن و شوهر مقطوع میسازد .  
نکاح ممکنست دائم یا موقت باشد- فراق هم همین حال را دارد .

در این مقاله هر يك از اقسام نکاح و فراق را اجمالاً مورد بحث قرار میدهیم و ضمناً مقررات قانون مدنی و قانون ازدواج را مطالعه مینمائیم .

بیفایده نیست قبل از اینکه بموضوع مقاله بپردازیم بمطالعاتیکه در موضوع نکاح و فراق در هیئت اجتماع و ملل متنوعه درازمنه مختلفه بوقوع پیوسته مورد بحث قرار دهیم .

مطالعات نام برده شده نشان میدهد که سیر تطور در نکاح تابع تطورات تاریخ نبوده و پیرو اثرات محیط و مذهب و احتیاجات و معتقدات و مذنیتهای مختلفه است ملل چه متمدن و چه غیر متمدن در موضوع زناشوئی آداب و مقرراتی دارند که گاهی يك ملت پس مانده بایك ملت مترقی در اینموضوع همدوش است و زمانی آداب يك ملت وحشی در امر زناشوئی از اول متبع يك ملت متمدن راقیتر و بالاتر است .

این است که در عصر حاضر هم اصولی را که در ادوار قدیم نسبت بنکاح و زواج شایع بوده در بین ملل و اقوام مختلفه کیتی مشاهده مینمائیم .

از این رو نمیتوان آداب و اصول ملت مخصوصی را در موضوع نکاح سرمشق ملت دیگر قرار داد مگر از هر جهت بهم مشابه یا نزدیک باشند مثلاً در محیطی که عده موالید اناث چند برابر موالید ذکور است نمیتوان گفت که تعدد زوجات در چنین محیطی برخلاف مدنیت فلان

ملت راقی و متمدن است و باید تعدد زوجات را منع کرد .

خلاصه تا آنجا که توانسته اند در احوال ملل و اقوام مختلفه تحقیق و مطالعه نمایند این نتیجه بدست آمده که پس از طی شدن دوره پراکندگی افراد انسانی و پیدایش مجتمعات کوچک و محدود اولاد آدم مدتهاعلقه زوجیت بین زن و مرد وجود نداشته و رابطه ایندو باهم بدون هر قید و شرطی بوده و حتی آنچه را که بعضی از حیوانات رعایت مینمایند در انسان نبوده بنا بر آن انسان وحشی و همج معنای نکاح را ندانسته و رابطه آنها با یکدیگر صرف ( مخالطه ) بوده است .

اولین قیدیکه در مخالطه زن و مرد در مجتمع انسانی پدید آمد و میتوان آنرا بسیطترین انواع نکاح نام نهاد :

علقه (مساکنه) است که هنوز هم در بعضی از طوایف وحشی وجود دارد .

مساکنه عبارتست از آنکه شوهر در مدت حمل یا حمل و رضاع علقه زوجیت خود را از زن سلب ننماید و با او بسربرد بدون آنکه زن آبتن یا شیرده بتواند او را از (مساکنه) بازن دیگر منع نماید و باین ترقیب مرد میتواند در يك وقت با چند زن (مساکنه) نماید .

مهمترین انواع زناشوئی که تا کنون تحقیق و مطالعه گردیده بقراراتی است :

- ۱ - اباحه
  - ۲ - زواج مشترك .
  - ۳ - تعدد ازواج .
  - ۴ - تعدد زوجات .
  - ۵ - زواج فردی بدون طلاق .
  - ۶ - زواج فردی باطلاق .
- تعریف هر يك :

## الف - اباحه

در این قسم از زواج زن شوهر مخصوص دارد و در عین حال میتواند با مردان اجنبی (با اجازت یا بدون اجازت شوهر) رابطه داشته باشد .

در ایران قبل از اسلام (مزدکیان) و بعد از اسلام (خرم‌دینان) و (پیروان ابو مسلم خراسانی) و (اوندیه) و پیروان (المقنع) : سفیدجامگان یا بقول اعراب مبیضه قائل با اباحه بوده اند (۱)

## ب - زواج مشترك :

عبارتست از آنکه چند برادر چند خواهر را مشترکاً تزویج نمایند باین ترتیب هر برادری شوهر همه خواهرها است و هر خواهری زن همه برادرها میباشد .

ج - تعدد ازواج ، عبارتست از آنکه زن در آن واحد چند شوهر داشته باشد و این بردو قسم است :

۱ - تبتی (منسوب به تبت) و شرطش این است که همه شوهرها برادر باشند و هر برادر میتواند زن را بخود اختصاص دهد در این حال برادران کوچکتر از او در زن او شرکت دارند و زن وی به برادران بزرگتر حرام است و فرزندی برادر بزرگتر اختصاص با او دارد و برادران کوچکتر عموهای آن طفل میباشدند و اختیار طلاق باز نیست و زن بزرگتر و رئیس خانواده و خداوند امر و نهی است (۲)

د - تعدد زوجات ، عبارتست از آنکه مرد در آن واحد چند زن داشته باشد و اقسامی دارد که مجموع آنها بدو قسمت عمده (محدود و غیر محدود) تقسیم میشوند و قسمتی را که اسلام جایز شمرده در این مقاله مورد بحث قرار خواهیم داد .

ه - زواج فردی بدون طلاق . عبارتست از آنکه زن و شوهر منفرد بوده و مادام الحیات اختصاص بهم داشته و نتوانند یکدیگر را طلاق گویند - قسمتی از مسیحیان پیرو این طریقه میباشدند و استدلالشان این است که خداوند (حوا) را برای (آدم) آفرید و حوا ضامی از اضلاع آدم بوده و مادام الحیات با هم بوده اند و طلاق بین آنها جایز شمرده نشده بود .

و - زواج فردی باطلاق - عبارتست از آنکه زن و شوهر منفرد بوده و در موارد مخصوصه هم بتوانند بسبب طلاق علقه زوجیت را فک نمایند - یهود «زبدشتیان» بعضی از شعب نصرانیت پیرو این طریقه میباشدند و همه آنها زنا را علت طلاق میدانند ولی یهود و نصرانیان انجیلی جهات دیگری را هم علت طلاق دانسته اند - که از جمله آن ارتداد است و آنکه بدین خود باقی مانده میتواند طلاق بخواند .

## نکاح و طلاق در یونان و روم قدیم

معتقد رویها و یونانیان قدیم این بود که انسان پس از مرگ یا در زمره خدایان خواهد بود یا در سلك انقیاء هنگامی در سلك خدایان منسلك میشود که بازماندگان او برای او غذا ببرند و قربانی نمایند و گرنه در خیل دیوان و بدکاران داخل میگردد .

از طرف دیگر هر خانواده ای خدایان مخصوص داشت که موجود آن خانواده بود و مرد خانواده میباشدت تشریفات مذهبی را نسبت بخدایان خانگی بجای آورد و این مرد

(\*) بود و لازم بود که زوجه از اقرباء و اقوام ازواج باشد و در صورت غیر از این ازواج مورد عقوبت بودند و بهمین جهت از دواج باخواهر و مادر جائز نبود .

(۱) در تا بیخ بخارا در شرح اوصاف پیروان المقنع (۱۵۰ هجری) نوشته شده : سفیدجامگان زن خویش را بیکدیگر مباح دارند و چون مردی بزرگتر زنی اندر آید غلامی بر در خانه بماند که چون شوی آن زن برسد بداند که زن با مردی در خانه است تا باز گردد و چون آن مرد برود وی بخانه خویش اندر آید .

(۲) استرابون (تاریخ یونانی) مینویسد : کیفیت نکاح اعراب یمن قبل از مسیح (۴) چنین بوده که چند برادر یکزن میگرفتند و هر یک که با او وارد میشد عصای خود را پشت در میگذاشت تا دیگری اگر وارد شد چگونگی را دریابد و بر گردد و این زن در شب مختص برادر بزرگتر (\*)

۲- نکاح منقطع .

۳- ملك يمين .

در این مقاله از قسمت اول و دوم بحث خواهد شد .

مطابق مقررات اسلامی هر زنیرا که بتوان عقد کرد میتواند خواستگاری نمود و ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی هم همین معنی را تقریر نموده و در عین حال ممکنست زنیرا خواستگاری کرد که در هنگام خواستگاری عقداو جائز نباشد مثل زنی که در عده طلاق بائن است که خواستگاری او مانعی ندارد اما ازدواج با او تا انقضاء عده جائز نیست .

مانع نکاح ممکنست موجب بطلان عقد باشد بدون حرمت ابدی چنانکه از روی جهل و عدم نزدیکی زنی را که در عده طلاق یا عده وفات است عقد کنند ( ماده ۱۰۵۱ مدنی )

و ممکنست موجب حرمت ابدی گردد مثل آنکه زنیرا که در عده طلاق یا عده وفات است با علم بدهد و حرمت نکاح عقد نمایند ( ماده ۱۰۵۰ مدنی ) .

و ممکنست مانع نکاح ، فقط موجب بطلان عقد باشد مانند نکاح با محارم ( پدر و مادر و غیره ) که ذاتاً حرام است و مبطل عقد است و علم و جهل ناکح موجب بطلان یا حرمت عقد نیست .

و ممکن است مانع نکاح کیفیت مهر باشد مانند نکاح ( شغار ) که حرام و باطل است و شعار عبارتست از آنکه دو زن بیک مرد عقد شوند باین ترتیب که مهر هر یک نکاح دیگری باشد .

مانع نکاح ممکن است استیفاء عده ( عده زوجات ) باشد چنانکه در عقد دائم ( با شرط حریت زوج ) پیش از چهار زن ( حره ) یا دو ( امه ) نمیتوان عقد نمود و عقد سومی یا پنجمی حرام و باطل است .

مانع نکاح ممکن است ( دیانت ) باشد مانند نکاح

مسلمه با غیر مسلم ( ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی )

میبایست نکاح شرعی متولّد شده باشد زن گرجی در تشریفات مذهبی خانوادہ دخالت داشت و مثلاً بر آتش مقدس شراب می افشاند ولی ریاست خانوادہ و ریاست مذهبی خانوادہ با مرد بود - و اگر خانوادہ ای اولاد ذکور نداشت اولاد اجداد آن خانوادہ از سبک خدایان خارج میشدند و ثانیاً مذهب خانوادہ نابود می شد زیرا دختر نمیتوانست قائم مقام پسر باشد مضافاً وقتی دختر شوهر میکرد تلافی مذهبی خانوادہ پدری از او سلب میشد و بمذهب شوهر مذهب میگردد باین جهت نکاح از واجبات مذهبی شمرده میشد و طلاق تقریباً محال بود زیرا از جمله شرایط آن این بود که زوجہ با حضور کاهن و شهود میبایست بخدایان خانگی و مذهب شوهر امان نماید و این امر مهمی بود و اجازه داده نمی شد مگر وقتی که زن ستردن و نزا باشد اما اگر مرد عقیم بود زن اجازه داشت که بیک از اقوام شوهر تمکین نماید تا پسری از او متولد شود و پس از مرد خانوادہ رئیس مذهب و رئیس خانوادہ باشد و چنین پسری را مرد خانوادہ به پسری میپذیرفت و به خدایان خانہ مانند فرزندان علمی خورد با تشریفات مذهبی معرفی میکرد .

آداب مذهبی مزبور در قوانین روم و یونان تأثیر نموده بعدیکه در قوانین خود تجرد را حرام شمردند و اشخاصی را که تاهل نمیگردند مجازات میدادند - وقتی هم که قانون منع تجرد لغو شد باز مدتها بر حسب عادت و مذهب دیرین علم تاهل و مجرد زیستن ممنوع بود .

نکاح و فراق بموجب احکام مذهبی شیعه

و مقررات قانونی ایران

گتیم نکاح علقه ایست که زن و مرد اجنبی را بهم پیوند میدهد و محرم میسازد اما در لغت بچند معنی است و از جمله معانی آن «عقد» است و در شرع ا-لام باطلاق بمقدم مخصوص میشود که عقد ازدواج باشد در اسلام ازدواج بسه طریق ممکنست از اینقرار :

۱- نکاح دائم .

## صیغه عقد نکاح

صیغه عقد (اجماعاً) عبارتست از ایجاب و قبول. ایجاب و قبول اگر بزبان عربی اداء گردد باید حتماً بیکدیگر از الفاظ سه گانه: زوجتك، انكحتك، متعتك گفته شود - اکتفا بدو لفظ اول در عقد دوام نیز مورد اجماع است اما بیان ایجاب بلفظ (متعتك) محل اختلاف است و بعضی آنها مخصوص بقصد انقطاع میدانند و بیان ایجاب بصیغه ماضی محل اختلاف نیست ولی بصیغه (امر) مورد اختلاف است بعضی جازز و برخی جازز نمیدانند و در عقد دائم لفظ ایجاب بصیغه مضارع و مستقبل جازز نیست - گوینده باید ( قصد انشاء ) داشته باشد - و مقصود او اخبار نباشد اما (قبول) لفظی است که دلالت صریح بر رضای (ایجاب) داشته باشد چه لفظاً مطابق لفظ (ایجاب) باشد یا معناً مطابقت نماید .

تقدم و تاخر ایجاب و قبول در مقام اداء مورد بطلان عقد نیست ترجمه الفاظ مزبوره در صورت عجز و همچنین اشاره در مورد گنگ و لال با شرط آنکه مفهم مقصود باشد جازز است و توکیل غیر شرط نیست (ماده ۱۹۲ و ۱۰۶۶ و ۱۰۷۱ قانون مدنی) و هرگاه در مورد جواز ترجمه زوجین زبان یکدیگر را ندانسته باشند ممکنست وسیله يك یا دو مترجم عادل بدو زبان لفظ ایجاب و قبول ترجمه گردد .

## مستحبات

در نکاح مستحب است که زوجه دوشیزه و یا زن باکره باشد - عقیق و از خانواده ای باشد که متهم نباشد - کفو شوهر باشد ( لحاظ از کفو ایمن و اسلام است ) .

زوج قبل از ازدواج زوجه را به بیند و محاسن او را دریابد - گرفتن زن نزا مکروه است اشهاد و اعلان عقد پسندیده است .

## آداب نکاح

قبل از نه سالگی موافقه با زوجه جازز نیست ولی

موجب حرمت ابدی نمیشود .

شوهر حاضر (با امکان موافقه) جازز نیست که بیش از چهار ماه با زن خود نزدیکی نکند .

اگر کسی چند زن داشته باشد باید رعایت همه آنها را بنماید .

هرگاه قبل از بلوغ زوجه بسن نه شوهر با او موافقه و نزدیکی نمود و موافقه سبب افضاء شد زن از زوجیت شوهر خارج نمیکردد و شوهر باید نفقه او را بدهد ولی از حیث موافقه بهم حرمت ابدی حاصل مینمایند . افضاء عبارتست از آنکه مجری حیض و بول یا بول و غائط یکی بشود .

## اولیاء عقد

اولیاء عقد عبارتند از :

۱ - پدر و جد پدری (هراندازه که بالا برود)

۲ - وصی .

۳ - حاکم .

پدر و جد پدری (هراندازه که بالا برود) بر فرزند صغیر و صغیره و همچنان بر فرزند بالغ سفیه و مجنونیکه سفیه و جنون آنها متصل بزمان صغر باشند ولایت دارند (ماده ۱۱۸۰ و ۱۰۴۲ قانون مدنی و شرط ولایت جد حیات پدر نیست ماده ۱۱۸۱ مدنی و زوال بکارت صغیره (بسیب زنا و غیر آن) سال ولایت پدر وجد نمیشود .

## حکم

۱ - طرفین عقد صغیر باشند و مجری صیغه هم باشند حکم بزوجهیت داده نمیشود زیرا الفاظ سادری از ناحیه صغار بسبب فقدان قصد انشاء و اراده اعتبار شرعی ندارد (ماده ۱۰۶۴ قانون مدنی)

ب - طرفین عقد دیوانه باشند خواه جنون دائمی داشته باشند و خواه ادواری باز حکم بزوجهیت داده نمیشود (این فرض در صورتیست که عاقد خود آنها باشند) و در جنون ادواری علت عدم حکم بزوجهیت احتمال عدم افاقه در هنگام عقد میباشد (ماده ۱۰۶۴ و ماده ۱۲۱۱)

قانون مدنی )

ج - طرفین عقد مست باشند - دو حالت ممکن است فرض شود اول آنکه پس از هشیاری عقد را امضاء نمایند دوم آنکه پس از هشیاری عقد را امضاء نمایند .

در صورت ثانی متفق علیه است که عقد صحیح نیست زیرا شرط صحت وجود اراده و قصد انشاء و سلامت عقل است و در صورت امضاء عقد پس از هشیاری دو عقیده وجود دارد .

یکی بر صحت نکاح و چنین نکاحی را بمنزله نکاح فضولی میدانند که بعد از امضاء نافذ و صحیح است دیگری بر بطلان عقد و میگویند عقد فضولی اختصاص بعقد صحیح دارد نه به عقیده که در اصل فاسد و باطل باشد ( ماده ۱۹۵ و ۱۰۶۴ قانون مدنی )

(ر) حضور شاهدین عدلین شرط صحت عقد نیست ولی چنانکه اشاره شد مستحب است که عقد با حضور شهرد باشد زیرا در موارد تهیت و میراث و نسب و غیره شهادت عدول موثر است

و هر گاه زوجه با لفظ و رشیده باشد حضور ولی لزومی ندارد ( ماده ۱۰۴۳ و ۱۱۹۳ قانون مدنی )

ه - هر گاه مردی مدعی زوجیت زنی شود و خواهر آن زن خود را زوجه آن مرد بداند ، چند حالت ممکن است تصور شود :

۱ - زن ( مدعیه ) مدخوله نباشد و هیچیک از متداعیین بنیه نداشته باشد  
 ۲ - زن مدخوله باشد و هیچ يك از طرفین بنیه نداشته باشد .

۳ - زن بنیه داشته باشد و مرد نداشته باشد ،  
 ۴ - مرد بنیه داشته باشد و زن نداشته باشد .  
 ۵ - هر دو بنیه داشته باشند .

در حالت اول و دوم سبب رجحان اصل عدم ازدواج حکم بمنفعت مرد داده میشود بشرطیکه مرد سوگند یاد کند که مدعیه زوجه او نیست و ثلث اتیان بقسم قطع دعوی است .

اما اگر مرد قسم را رد نمود وزن بصحت دعوی خود و بعدم علم به آنچه که مرد دعوی کرد قسم یاد نمود حکم بمنفعت زن داده میشود -

در حالت سوم حکم بمنفعت زن داده میشود و باید بعدم علم بدعوی مدعی علیه ( دعوی زوجیت مدعی علیه نسبت بخواهر مدعیه ) قسم یاد کند -

در حالت چهارم بمنفعت مرد حکم داده میشود و مرد باید قسم یاد کند که شوهر مدعیه نیست

در حالت پنجم حکم بمنفعت مرد داده میشود مگر جهاتی یافت شود که بنیه زن را بر بنیه مرد ترجیح دهد از قبیل تقدم تاریخ و مدخوله بودن زن .

( سبب آنکه دعوی متداعیین اصلی بسبب ورود ثالث از بین می رود این است که جمع بین دو خواهر جایز نیست - ماده ۱۰۴۸ قانون مدنی هم جمع بین دو خواهر را از موانع نکاح شمرده . )

و - اگر کسی زنی را عقد کرد و دیگری مدعی زوجیت زن شد :

۱ - مدعی بنیه داشته باشد - حکم بمنفعت او داده میشود .

۲ - مدعی بنیه نداشته باشد ، مقتصد جمعی از علماء این است که دعوی او قابل ترتیب اثر نیست زیرا بدون بنیه دعوی مسموع نیست -

و عده ای میگویند نمیتوان دعوی را استماع نکرد زیرا اقرار زن در این مورد حجیت ندارد و جمعی در حالت اخیر اتیان بقسم را لازم شمرده اند .  
 ( بنابر این حکم قضیه نظری است )

ز - شرط صحت عقد این است که زن و شوهر با اسم یا اشاره یا صفت قاطع تعیین و تشخیص گردند ( ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی ) دلیل این شرط ( اصل ) و ( اجماع ) است بلاوه هر گاه زوجین شناخته نشوند ممکنست غرر و ضرر حاصل گردد .

بنا بشرط مرقوم اگر مردی چند دختر داشته باشد و یکی از آنها را بدون ذکر اسم یا بیان ممیزات

ک - دختر بالغه رشیده هر گاه بدون اذن ولی شوهر نماید عقد صحیح است ( ماده ۱۱۹۳ مدنی ) و هر گاه ولی چنین دختری را شوهر داده باشد صحت عقد متوقف بر اجازه دختر است . ( عقد فضولی است و بدون اجازه نافذ نیست )

ل - اما اگر ولی صغیر یا صغیره ( پدر و جد پدری نباشند ) و آنها را شوهر دهند یا برای آنها زن بگیرند صحت عقد متوقف با اجازه زوج یا زوجه پس از بلوغ و رشد آنها میباشد .

م - وصی نمیتواند صغار موصی را تزویج نماید زیرا ولایتی ندارد ولو وصیت بازوج آنها وسیله وصی شده باشد چرا که موت موصی موجب قطع ولایت است و ولایت قابل انتقال نیست .

ن - حاکم ( پس از پدر و جد پدری ) ولی صغار است و میتواند با لحاظ غبطه صغار آنها را شوهر دهد یا برای آنها زن بگیرد ولی صحت عقد موکول با اجازه صغیر یا صغیره پس از بلوغ و رشد است .  
س - نکاح فضولی جایز است ولی متوقف با اجازه است بنابراین مادام که زوج یا زوجه عقد را رد نکرده اند نمیتوانند به عقد دیگری در آیند -

ع - هر گاه دو صغیر را پدران آنها بهم عقد بستند و یکی مرد از دیگری ارث میبرد زیرا اجازه آنها پس از بلوغ شرط صحت عقد نیست ولی اگر عاقد غیر از پدر و جد پدری باشد عقد بمنزله فضولی است و متوقف بر اجازه است در اینحال اگر هر دو یا یک نفر از آنها فوت شد عقد باطل است و هر گاه احد از زوجین زودتر بالغ شد و عقد را اجازه نمود عقد نسبت باو لازم میشود و چنانچه مرد سهم طرف دیگر عقد از ترکه میت مجزی شده و تا بلوغ طرف عقد باقی میماند و پس از بلوغ طرف عقد هر گاه عقد منقده یا متوفی مذکور را رد کرد عقد باطل میشود ( ترکه سوا شده بین ورثه متوفی تقسیم میگردد ) البته با رعایت مقررات ارث ) و هر گاه عقد را اجازه نمود باید قسم بخورد که اجازه عقد بسبب

دیگر شوهر بدهد .

۱ - هر گاه فرد معینی را قصد نکرده باشد نکاح باطل است

۲ - هر گاه قصد او مابین قصد شوهر باشد نکاح باطل است

۳ - هر گاه پدر قصد فرد معینی را کرده و شوهر قصد نکرده باشد نکاح باطل است

دلیل بطلان نکاح در هر سه وجه فقدان قصد است . اما اگر داماد و پدر عروس دختر معینی را قصد کردند و بعد از عقد در معقود علیها اختلاف حاصل نمودند باین معنی که معقود علیها همان دختریست که قبلاً قصد کرده بودند یا دیگریست ؟

چگونه باید حکم داد ؟

جماعتی از علماء عقد را باطل میدانند و دلیل آنها همان لوله ( عدم قصد ) و اختلاف قصد است . برخی دیگر مطلقاً عقد را باطل نمیدانند و میگویند هر گاه زوج قبل از عقد همه دخترها را دیده باشد قول پدر زوجه حجت است و باید دختری را که هنگام عقد قصد کرده بوده بداماد بدهد .  
و اگر زوج دخترها را قبلاً ندیده بود عقد باطل است .

ح - هر گاه پدری ولایتاً دختر صغیره خود را بنکاح کسی در آورد پس از بلوغ اجازه ثانوی زوجه شرط نیست و این حکم اجماعی است اما نسبت بصغیر دو قول است واضح قرلین این است که صغیر یا صغیره تفاوتی ندارد

ط - هر گاه ( جد ) نوه صغیره خود را برای کسی عقد کرد و پدر صغیره هم او را برای دیگری عقد نمود . هر گاه تاریخ عقد متفاوت باشد تاریخ مقدم مناط اعتبار است و هر گاه مقارن باشند عقد ( جد ) صحیح است

ی - هر گاه پدر یا جد فرزندان بالغه سفیه یا مجنون خود را ( که سفیه و مجنون آنها متصل بزمان صغر باشد ) شوهر یا زن دادند پس از افاده مجنون یا سفیه حق فسخ ندارد ( اجماع )

- ج - تعیین میزان مهر (اجرت) و بیان آن در ضمن عقد  
د - تعیین مدت نکاح (و تابع قرار داد طرفین است) .

### حکم

- ۱ - هرگاه ذکر اجرت یا مدت نشود عقد باطل است .
- ۲ - شرایط قبل از عقد قابل ترتیب اثر نیست .
- ۳ - در نفی ولد در عقد انقطاع احتیاج به اعلان نیست و اعلان مخصوص به عقد دائم است
- ۴ - در متمه (عقد انقطاع) طلاق نیست و بسبب بذل مدت یا انقضاء آن عقد فک می شود ولی قول مشهور این است که در عقد انقطاع ظهار واقع می شود
- ۵ - در نکاح منقطع زوجین از یکدیگر ارث نمی برند (ماده ۹۴۰ قانون مدنی) ولی هرگاه شرط بمیراث کرده باشند جمعی معتقدند که از هم ارث می برند و نفوذ تمهیدات را در این مورد هم جاری میدانند و جماعتی عقیده دارند که ارث از مقررات شرعیه است و قرار داد در آن تاثیری ندارد و بنا بر این اگر شرط بمیراث هم شده باشد قابل ترتیب اثر نیست .

- ۶ - تجدید عقد قبل از انقضاء مدت جائز نیست (خواه عقد مجدد عقد دائم باشد و خواه عقد منقطع) .
- موضوع طلاق و اقسام دیگر فراق در مقاله دیگر بیان خواهد شد - سید صالح - صالح

طمع در ترک که نبوده و چنانچه اجازه کننده زوجه باشد مستحق نصف مهر هم میباشد .

اما این حکم در عقد فضولی نسبت بکبار جاری نیست و فوت هر یک موجب بطلان عقد است .

ف - اگر پنج زن را یکجا به عقد دائم در آورند عقد نسبت بچهار نفریکه شوهر اختیار نماید صحیح است و نسبت به پنجمی باطل

ص - شوهریکه چهار زن دائمی دارد هرگاه بعضی از آنها را بطلاق رجعی مطلقه نماید قبل از انقضاء عده نمیتواند بجای مطلقه زن دائمی بگیرد و هرگاه گرفت عقد باطل است اما اگر طلاق بائن باشد اشکالی نیست و همچنین است هرگاه شوهری زنتش را طلاق گفت و خواستار عقد خواهر زنتش گردید (در طلاق بائن عقد صحیح و در طلاق رجعی باطل است) .

ق - هرگاه کسی دو خواهر را یکجا عقد نمود و یا مقارن هم عقد کرد هر دو عقد باطل است و در صورت غیر از این عقد بتاریخ مؤخر باطل است .

بیش از این در موضوع عقد دائم چیزی نگفته و طالبین تحقیقات بیشتر باید بکتاب فقهیه مراجعه کنند .

### اما نکاح منقطع

ارکان نکاح منقطع چهار است:

الف - صیغه عقد ( مطابق مقررات نکاح دائم )  
و فقط این تفاوت حاصل است که لفظ ایجاب و قبول را در نکاح منقطع با قصد انشاء بصیغه مضارع هم جائز است که بیان کرد

ب - زوجه باید مسلمه یا کتابیه باشد